



داریوش بزرگ

روزي که اروپا فرمانروايي داریوش بزرگ را پذیرفت

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۷ تیر ۱۳۹۳ / ۴۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

(داریوش بزرگ نخستین فرمانرواي سه قاره‌ي آسیا، آفریقا و اروپا) داریوش هخامنشی در سال ۵۱۴ پ.م (۲۵۲۸ سال پیش) برای سرکوبي سکاهاي جنوب روسيه کنوني به اروپا لشکرکشي کرد. «آریارمنه» ساتراپ «کاپادوکیه» به دستور داریوش تا جزیره کریمه-در اُکراین امروزي- پیش راند و گزارش‌هاي ارزشمندی را برای انجام این سفر به داریوش داد. پیش از داریوش هخامنشی، کوروش بزرگ و فرزندش کمبوجیه، بخش‌هاي گسترده‌اي از آسیا و آفریقا را به خاک ایران افزوده بودند و در آن زمان داریوش در صورت پیروزي می‌توانست نخستین فرمانرواي سه قاره

(داریوش بزرگ نخستین فرمانروای سه قاره‌ی آسیا، آفریقا و اروپا)



داریوش هخامنشی در سال ۵۱۴ پ.م (۲۵۲۸ سال پیش) برای سرکوبی سکا‌های جنوب روسیه‌ی کنونی به اروپا لشکرکشی کرد. «آریارمه» ساتراپ «کاپادوکیه» به دستور داریوش تا جزیره کریمه-در اُکراین امروزی- پیش راند و گزارش‌های ارزشمندی را برای انجام این سفر به داریوش داد. پیش از داریوش هخامنشی، کوروش بزرگ و فرزندش کمبوجیه، بخش‌های گسترده‌ای از آسیا و آفریقا را به خاک ایران افزوده بودند و در آن زمان داریوش در صورت پیروزی می‌توانست نخستین فرمانروای سه قاره‌ی آسیا، آفریقا و اروپا شود. آهنگ نظامی داریوش علیه سکا‌ها، افزون بر رسمیت یافتن قدرت سیاسی و نظامی ایرانیان در بالکان، انگیزه‌های دیگری همچون گرفتن بخش‌های از یونان شمالی و کوتاه کردن دست سکا‌ها از مرزهای شمالی و خاوری (شرقی) ایران و سفر به سرزمین‌های ناشناخته را در برداشت. سرانجام داریوش پس از دریافت گزارش‌های گوناگون از شوش به سوی آسیای کوچک (آسیای صغیر) به راه افتاد و تا «بُسفور» پیش راند. «ماندروکلس» به سفارش شاهنشاه، پلی از کشتی بر روی بسفور زد. داریوش از کار معمار «ساموسی» سپاسگزاری کرد و به او پیشکش‌های گرانبهائی بخشید. به دستور «ماندروکلس» پرده‌ای از داریوش بزرگ کشیدند که او را تکیه زده بر تخت شاهی نشان می‌داد در حالی که سپاه او آماده‌ی گذشتن از پل بود. او پس از چندی این اثر را در شهر خود به معبد الهه هِرا پیشکش کرد.

شاهنشاه دستور داد تا در کرانه‌ی اروپایی بسفور دو سنگ ایستاده (قائم) از مرمر سفید برپا کنند. یکی با نبشته‌ی پارسی باستان، ایلامی و بابلی و یکی هم با نبشته‌ای به یونانی. هرودوت گزارش می‌کند: «او در آن به نام همه‌ی مردمانی که به همراه داشت اشاره کرده است؛ و او همه‌ی مردمانی را که بر آن فرمان می‌راند به همراه داشت». داریوش به «ایونیایی‌ها»-مردمان خاوری مدیترانه- فرمان داد که با ناوگان‌های خود تا مَصَب رود دانوب پیش روند و در آن جا پلی بر روی رودخانه بزنند و خود با نیروی زمینی رو به آن سوی نهاد. داریوش در هیچ جایی از تراکیا با

پایداری روبه‌رو نشد. در بلغارستان کنونی «گت‌ها»-گونه‌ای از مردمان بلغارستان- پایداری کردند، اما سپاه ایران این پایداری را درهم شکست. **ایونیایی‌ها** به فرمان «هیستیا یوس ملطی» پلی از کشتی ساخته بودند؛ در بالای دلتای رود و در پایین مَصَب «پروث». داریوش به آنها فرمان داد تا از پل نگهبانی کنند و دو ماه چشم به راه او بمانند و اگر او پس از دو ماه بازنگشت پل را برچینند و ناوگان به میهن بازگردد.

داریوش پیش‌بینی کرده بود که حتی اگر سکاها از نبرد رودرو پرهیز کنند باز هم می‌تواند در زمان گفته شده به دانوب بازگردد. همین‌گونه هم شد. سکاها از فن جنگی زمین سوخته استفاده کردند. آن‌ها از نبرد دوری می‌کردند، چراگاه‌ها را تباہ کردند و به شیوه‌ی جنگ و گریز به سپاه ایران تلفاتی وارد آوردند. با این وجود **داریوش** سراسر «پسارابی» را در نوردید، اما در «دنپستر» می‌بایست سفر خود را به پایان می‌برد. هیستیا یوس ملطی آهنگ آن را داشت که پل روی دانوب را برچیند، که شاهنشاه درست پس از دو ماه بازگشت. گویا او به پیروزی‌هایی در این سفر دست یافته بوده که به او اجازه می‌داد در سنگ‌نبشته‌های سپسین (بعدي) خود از «سکاهای آن‌سوی دریا» هم در میان مردمان زیر فرمان خود نام ببرد. **داریوش بزرگ** با رسیدن به «بیزانس» فرماندهی سپاه را به سردار خود «بگبازوش» داد و از او خواست تا بر دیگر بخش‌های «تراکیا» و سپس مقدونیه، همسایه‌ی خاوری آن چیره شود. بنابراین دو ساتراپی دیگر به قلمرو فرمانروایی هخامنشی افزوده شد. شاهنشاه زمستان را در سارد گذراند و در این جا برادر خود «آرتفرناه» را به ساتراپی «لودیا» گمارد. هنگامی که «بگبازوش» به سارد بازگشت، به پاس خدماتش به ساتراپی «آراخوزیا»-نام بخشی باستانی در قندهار کنونی- رسید. به جای او «هوتانه»، یکی از یاران داریوش در کشتن گئوماته و فاتح ساموس، به فرماندهی نیروهای ایرانی در کرانه‌های آسیای کوچک گمارده شد و او بر جزیره‌های بی‌شماری در دریای مدیترانه چیره شد. بنابراین باید گفت هجوم به سکاییه یک کردار بزرگ نظامی بود که جهان آن زمان چنین شکوهمندی شاهانه‌ای را به خود ندیده بود. همچنین نه پیش از آن زمان، هیچ سرداری توانسته بود آن مسافت دراز را از کرخه تا ولگا بپیماید و نه پس از آن در ذهن سرداران نظامی جهان توانست پدید آید. مدیریت و کاردانی **داریوش** شوندي (دلیل) شد که پس از آن تا پایان روزگار هخامنشیان هرگز سکاها به مرزهای ایران نزدیک نشوند. در نتیجه داریوش با این امر نخستین فردی بود که توانست بر بخش‌های گسترده‌ای از قاره آسیا، آفریقا و اروپا فرمانروایی کند.

یاری نامه: ۱. محمودآبادی، اصغر، دیپلماسی هخامنشی از ماراتن تا گرانیك، چاپ سوم، تهران، انتشارات مینو، ۱۳۹۲. ۲. هینتس والتر، داریوش و ایرانیان تاریخ فرهنگ و تمدن هخامنشیان، ترجمه پرویز رجبی، تهران، نشر ماهی، ۱۳۸۶.

*نوشتار از میثم اسدی کارشناس ارشد تاریخ <برگرفته از امرداد

شمشاد امیری خراسانی، «روزی که اروپا فرمانروایی داریوش بزرگ را پذیرفت»، پارسیان دژ، ۱۳۹۳.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://www.parsiandej.ir/articles/1519/pdf/روزی-که-اروپا-فرمانروایی-داریوش-بزرگ-ر.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵